یادداشت

بازنگری در قانون اساسی

احمد شیرزاد

این روزها برخی به زبان‌های مختلف سخن از اصلاح یا تغییر در قانون اساسی به میان می‌آورند. قصد ندارم وارد محتوای این بحث شوم، اما به لحاظ چگونگی اجرا، قرائت معمول اصلاح‌طلبان دوم‌خردادی این بود که تغییرات سیاسی، از جمله چنین امری، باید از مجرای قانونی و متعارف تحقق پذیرد. به این لحاظ خوب است ببینیم قانون اساسی موجود در این زمینه چه پیش‌بینی‌ای دارد. فصل چهاردهم قانون اساسی با عنوان «بازنگری در قانون اساسی»، فقط شامل یک اصل، یعنی اصل ۱۷۷ است که کلا در فرایند بازنگری سال ۱۳۶۷ تدوین و به متن قانون اساسی اضافه شد. عین این اصل را به طور کامل اینجا نقل می‌کنم.

اصل صدوهفتادوهفتم

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در حکمی خطاب به رئیس‌جمهور موارد اصلاح یا تتمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌کند:

۱- اعضای شورای نگهبان، ۲- رؤسای قوای سه‌گانه، ۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۵- ۱۰ نفر به انتخاب مقام رهبری، ۶- سه نفر از هیئت وزیران، ۷- سه نفر از قوه قضائیه، ۸- ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۹- سه نفر از دانشگاهیان. شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند.

مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه‌ونهم درباره همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی‌بودن نظام و ابتنای همه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است (پایان اصل ۱۷۷). ممکن است کسانی که از اصلاح یا تغییر قانون اساسی یاد می‌کنند، اساسا سناریوی دیگری برای تحقق این امر در نظر داشته باشند که با فرایند قانونی فوق مغایرت داشته باشد. باید دید که آن سناریوی جایگزین چیست و چگونه تحقق می‌یابد.

خبر

پزشکیان: آنچه در جنگ ۱۲روزه به دست آوردیم بسیار ارزشمندتر از چیزی بود که از دست دادیم

آیین تجلیل از خدمات کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جنگ ۱۲روزه با حضور «مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهور و «احمد میدری»، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد. به گزارش مرکز روابط‌عمومی و امور بین‌الملل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، «مسعود پزشکیان» در آیین تجلیل از تلاش‌های کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دوران جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، ضمن گرامیداشت یاد همه شهیدان این جنایت اظهار کرد: رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد پس از به‌شهادت‌رساندن فرماندهان نیروهای مسلح کشورمان که عمر و زندگی خود را وقف سربلندی ایران اسلامی کرده بودند، نظام دچار چالش می‌شود، اما درایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و انتصاب فوری جانشین فرماندهان به‌شهادت‌رسیده و از سوی دیگر دفاع مقتدرانه نیروهای مسلح، نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد. دکتر پزشکیان با بیان اینکه حتی کسانی که مورد جفا قرار گرفته بودند و با آنان برخوردهای مناسبی صورت نگرفته بود، کسانی که در زندان بودند یا کسانی که با نارضایتی کشور را ترک کرده بودند نیز به دفاع از کشور برخاستند، تصریح کرد: این سرمایه وحدت و انسجام که در این ۱۲ روز ایجاد شده به‌هیچ‌وجه قابل قیمت‌گذاری نیست. رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه زندگی فانی است، اما عزت و شرف ابدی و باقی هستند، افزود: امیدوارم خداوند ما را یاری کند تا در برابر این ملت شریف شرمنده نباشیم. ما بار سنگینی در عرصه خدمتگزاری بر عهده داریم و باید تلاش کنیم ایران را به نحوی که شایسته این ملت است، بسازیم. طی این مسیر نه با حرف که با عمل و اقدام ممکن است. دکتر پزشکیان در ادامه با اشاره به پیشبرد طرح محله‌محوری تصریح کرد: هرکسی هر توانمندی دارد می‌تواند در محله خود ارائه و به حل مشکلات کمک کند، دولت نیز تمام‌قد از این تلاش‌ها حمایت می‌کند. در این مسیر مهم نیست که افراد لزوما همسو با ما هستند یا نه و آیا باورهای آنها شبیه ما هست یا نه، مهم این است که باور داشته باشیم خدمت به مردم و رفع مشکلات آنها موجب رضایت خالق است؛ معنای اسلام و تسلیم همین تلاش برای کسب رضایت خداوند در مسیر خدمت به مردم است. رئیس‌جمهور ضمن قدردانی صمیمانه از همه تلاش‌های صورت‌گرفته برای خدمت به مردم در مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دوران جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی گفت: می‌دانم که ازدست‌دادن عزیزان چقدر سخت است، اما زندگی جریان دارد و ما مأمور به تلاش برای ساختن آینده‌ای روشن برای کشور، مردم و فرزندانمان هستیم.

جنگ تحمیلی اخیر می‌تواند به نقطه عطفی در توسعه نظام تأمین اجتماعی تبدیل شود

«احمد میدری» در آیین تجلیل از خدمات کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جنگ ۱۲روزه که با حضور رئیس‌جمهور پزشکیان برگزار شد، با گرامیداشت یاد شهدای جنگ اخیر، فرماندهان نظامی و دانشمندان کشور، سخنان خود را با ادای احترام به ایستادگی ملت ایران آغاز کرد و گفت: ملت ایران در این روزهای حساس تاریخ را به‌درستی ثبت کردند. مردم کشور دشمن را شناختند، اجازه ندادند جای ظالم و مظلوم عوض شود، صدای خود را بلند و از حقیقت دفاع کردند. ما در این وزارتخانه در کنار مردم و در سمت درست تاریخ ایستادیم. او با اشاره به نقش رسانه ملی در این روزها تأکید کرد هیچ تهدیدی سبب سکوت یا لکنت صدای مردم و نهادهای مسئول نشد و رسالت خود را در رساندن صدای ایران به گوش جهانیان ایفا کردند.

وزارتخانه‌ای با مأموریت خدمت‌رسانی در همه شرایط

میدری با تأکید بر تفاوت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با دیگر نهادها در حوزه مأموریت‌های آن اظهار کرد: ما در این وزارتخانه، هرجا که هستیم، در حال انجام وظیفه‌ایم؛ از مددکاران بهزیستی تا مدیران شرکت‌های بزرگ اقتصادی زیرمجموعه. وزیر کار ادامه داد: در دوران جنگ نیز این رویکرد حفظ شد. همه ظرفیت‌های شرکت‌هایی مانند شیر پگاه، کشتیرانی، داروسازی‌ها و دیگر مجموعه‌ها بسیج شدند تا در خدمت مردم باشند.

واکاوی تأثیر جنگ ۱۲روزه بر دیپلماسی هسته‌ای ایران در گفت‌وگو با سیدمحمد صدر

سایه جنگ، نور دیپلماسی

عکس: احسان قلمچی، شرق

عبدالرحمن فتح‌الهی: جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، که با دخالت آمریکا همراه شد، نقطه عطفی در دیپلماسی هسته‌ای ایران ایجاد کرد. پیش از این جنگ، پنج دور مذاکرات غیرمستقیم در مسقط با میانجیگری عمان، فضایی محتاطانه، اما رو به پیشرفت را نشان می‌داد. مذاکرات بر رفع تحریم‌ها و حفظ حقوق هسته‌ای ایران متمرکز بود. با این حال حملات اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، اعتماد شکننده را از بین برد و مذاکرات را به تعلیق کشاند. این تجاوز، که نقض آشکار حاکمیت ایران بود، دیپلماسی را زخمی و میز مذاکره را متزلزل کرد، چنان‌که عباس عراقچی آن را «خیانت به دیپلماسی» خواند. تأثیر جنگ بر دیپلماسی هسته‌ای ایران دوگانه بود؛ «از یک سو، خسارات به تأسیسات هسته‌ای، برنامه ایران را موقتا تضعیف و در طرف دیگر، پاسخ موشکی ایران و انسجام ملی، جایگاه تهران را در مذاکرات تقویت کرد». بنابراین محتمل به نظر می‌رسد یکی از تفاوت‌های عمده مذاکرات هسته‌ای قبل و بعد از جنگ اخیر در این باشد که برخلاف مذاکرات مسقط، که بر کلیات متمرکز بود، گفت‌وگوهای پیش‌رو به دلیل معادلات جدید، احتمالا وارد جزئیات فنی و تضمین‌های امنیتی خواهد شد. ایران اکنون با تأکید بر جبران خسارات و حفظ غنی‌سازی، رویکردی قاطع‌تر اتخاذ کرده است. دیپلماسی نوین ایران در مذاکرات آتی، احتمالا بر چندجانبه‌گرایی و ورود بازیگران جدیدی مانند چین و نروژ متمرکز شود. این رویکرد، با بهره‌گیری از بازدارندگی نظامی نشان‌داده‌شده در جنگ، به دنبال توافقی است که نه‌تنها تحریم‌ها را رفع، بلکه از تکرار تجاوزات جلوگیری کند. با این حال، تناقضات در سیاست خارجی آمریکا، به‌ویژه میان اظهارات ترامپ و فشارهای اسرائیل، مسیر گفت‌وگوها را پیچیده‌تر می‌کند. موفقیت دیپلماسی ایران به توانایی تهران در حفظ خطوط قرمز و استفاده از اهرم‌های منطقه‌ای و جهانی بستگی دارد. در سایه نکات یادشده و برای واکاوی تأثیر جنگ ۱۲روزه بر دیپلماسی هسته‌ای ایران به گفت‌وگو با سیدمحمد صدر نشسته‌ایم تا از منظر این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیپلمات پیشین کشور، تفاوت‌های دیپلماسی هسته ایران، قبل و بعد از جنگ اخیر را به بوته تحلیل ببریم. متن پیش‌رو ماحصل گپ‌وگفت با این مشاور سیدمحمد خاتمی و محمدجواد ظریف است که در ادامه می‌خوانید.

●●●

جناب صدر، محور گفت‌وگو با شما روی واکاوی تفاوت‌های دیپلماسی هسته‌ای، پیش و پس از جنگ ۱۲روزه است. به هر حال قبل از این جنگ اخیر، شاهد پنج دور مذاکره هسته‌ای بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران بودیم و ۴۸ ساعت قبل از دور ششم، اسرائیل حملات خود را انجام داد که در نهایت، آمریکا هم به این تجاوز پیوست. بنابراین بسیاری معتقدند هم دیپلماسی زخم خورده و هم میز مذاکره شکسته است. با این حال اکنون اخبار متعددی حکایت از آغاز دوباره گفت‌وگوهای هسته‌ای بین تهران و واشنگتن دارد. اما سؤال اینجاست که واقعا می‌توان تفاوتی بین پنج دور مذاکرات مسقط با گفت‌وگوهای پیش‌رو قائل بود؟ اساسا تأثیر جنگ ۱۲روزه بر دیپلماسی هسته‌ای ایران چه بوده است؟ آیا قرار است در مذاکرات پیش‌رو، دیپلماسی متفاوت و نوینی را در دستور کار قرار دهیم؟

در پاسخ به سؤال شما باید گفت که مقوله دیپلماسی یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که هر کشوری برای تنظیم روابط در منطقه و محیط بین‌الملل و هم برای مرتفع‌کردن خطرات و تهدیدها و کانون‌های بحران از آن استفاده می‌کند. دیپلماسی هم متناسب با شرایط مکانی و زمانی قطعا تغییرات خود را خواهد داشت تا بسته به اقتضائات، بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه را برای حصول منافع و امنیت ملی تعریف کند. بنابراین چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، دیپلماسی یک اصل است و همواره و در هر شرایطی دیپلماسی باید به شکل جدی، مستمر و پویا فعال باشد؛ کمااینکه تمام جنگ‌ها در دنیا با دیپلماسی، مذاکره، گفت‌وگو، توافق و انعقاد قرارداد صلح و آتش‌بس به پایان می‌رسد. دیپلماسی در هر شرایطی، انتخاب عاقلانه‌ای است و قطعا می‌تواند منافع و امنیت ملی را تأمین کند، پس من معتقدم چه قبل از این جنگ ۱۲روزه و چه بعد از آن، باید دیپلماسی به شکل جدی پیش برود که ان‌شاءالله در آینده به نتیجه برسد و منافع ملت ایران تأمین شود.

نکات شما کاملا درست، اما پاسخی برای سؤالم نیافتم که آیا شما قائل به تفاوت دیپلماسی، مشخصا دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قبل و بعد از جنگ ۱۲روزه هستید؟ اگر چنین است، چه تفاوتی وجود دارد؟ آیا می‌توانیم به یک دیپلماسی نوین در مذاکرات امید داشته باشیم؟

اینجا خود مقوله دیپلماسی اصالت دارد و قطعا بسته به شرایط جنگ و صلح، روش‌ها، تاکتیک‌ها و تصمیمات و اقدامات، ذیل اصل دیپلماسی تغییر پیدا می‌کند. اما نکته مهم در است که به نظر من اگر در مذاکرات قبلی دیپلماسی را به شکل بهتر و جدی‌تر پیش می‌بردیم و اگر به‌موقع برخی الزامات و تصمیمات را انجام می‌دادیم، چه‌بسا که اصلا ما شاهد جنگ ۱۲روزه نبودیم.

یعنی با یک نگاه آسیب‌شناسانه معتقدید عملکرد ما در پنج دور مذاکره مسقط، توجیهی برای این تجاوز در میانه گفت‌وگوها شد؟

واقع امر این است که باید اذعان داشت برخی تأخیرها و تعلل‌ها در مذاکرات قبلی شکل گرفت. برخوردهای دقیقی انجام نشد. در پاسخ به سؤال قبلی شما درباره تفاوت دیپلماسی قبل و بعد از این جنگ، من امیدوارم که در دیپلماسی جدید و مذاکرات پیش‌رو دیگر تأخیر و تعلل شکل نگیرد، با دقت و هوشمندی گفت‌وگوها را پیش ببریم تا ان‌شاءالله منافع کشور تأمین شود.

برخلاف نگاه خوش‌بینانه شما، طیفی از ناظران معتقدند اکنون دیپلماسی هسته‌ای ایران بعد از جنگ ۱۲روزه روی فُنداسیون «ابهام هسته‌ای» بازتعریف شده است که با تصویب قانون کاهش همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اخراج بازرسان این نهاد آژانس و همچنین تعیین‌تکلیف‌نشدن اورانیوم غنی‌شده، به‌ویژه غنی‌شده ۶۰درصدی، دوباره همان دستور کار قبلی دیپلماسی پیش از جنگ در حال اجراست که تأخیر و تعلل می‌تواند از تبعات بعدی آن باشد. اگر چنین باشد، ما مجبور به تقبل هزینه‌های قبل هستیم؟

بله، اگر این‌گونه باشد و ما اشتباهات قبلی را تکرار کنیم، زمینه برای جنگ بعدی فراهم خواهد شد. بنابراین من معتقدم هرچه زودتر و جدی‌تر باید مذاکرات هسته‌ای را آغاز کرد. این‌بار سیاست متفاوتی را در دستور کار قرار دهیم که به‌جای تأخیر و تعلل و مانور روی اشتباهات قبل، به نحوی عمل کنیم که ضمن رسیدن به منافع ملی، هرگونه بهانه و فرصت و فضا برای جنگ مجدد علیه ایران گرفته شود. پس اگر بخواهم به شکل مشخص روی محوریت گفت‌وگو با شما نکته‌ای مطرح کنم، این است که باید دیپلماسی هسته‌ای و در کل دیپلماسی ما بعد از این جنگ، تفاوت معناداری با دیپلماسی قبل از این جنگ ۱۲روزه داشته باشد، وگرنه تکرار اشتباهات دیپلماسی قبل از جنگ می‌تواند بهانه‌ای برای جنگ بعدی باشد.

اگر به شکل مصداقی روی تفاوت دیپلماسی هسته‌ای قبل و بعد از جنگ ۱۲روزه تمرکز کنیم، به‌تازگی گزارش‌هایی دال بر احتمال تغییر میزبان و میانجیگران مذاکرات پیش‌روی ایران و ایالات متحده آمریکا منتشر شده است و به‌جای عمانی‌ها، اسم چین و نروژ برده شده است. ضمن آنکه از روس‌ها، عربستانی‌ها، اماراتی‌ها و قطری‌ها هم نام می‌برند. هرچند اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، این ادعاها را صرفا گمانه‌زنی رسانه‌ای می‌داند، اما با سفر عراقچی به چین در آستانه مذاکرات جدید، به نظر می‌رسد تهران این‌بار با یک دیپلماسی نوین و احتمال تعیین میزبان نوین و میانجیگران نوین به دنبال پوست‌اندازی دیپلماتیک است. ارزیابی شما در این زمینه چیست؟ آیا بازشدن پای چین، نروژ یا هر کشور دیگری لزوما به معنای تغییر دیپلماسی ایران پس از جنگ ۱۲روزه است؟

من موضوع را قدری کلان‌تر می‌بینم، چراکه در حوزه سیاست خارجی، قطعا هیچ کشوری قرار نیست برای منافع و امنیت ملی ما فداکاری کند. اساسا قرار نیست هیچ کشوری منافع خود را قربانی منافع کشور دیگری کند. همه به دنبال منافع و امنیت ملی خود هستند. هر زمانی که منافع آنها اقتضا کند، می‌توانند به سمت همکاری، همراهی، میانجیگری و تعامل با کشورها گام بردارند. اگر هم منافع‌شان اقتضا نکند، قطعا به دنبال هزینه‌تراشی برای خود نیستند تا بخواهند در یک فعل و انفعالات دیپلماتیک شرکت کنند. پس چه عمانی‌ها، چه عربستانی‌ها، چه قطری‌ها، چه اماراتی‌ها، چه چینی‌ها، چه روس‌ها، چه نروژی‌ها و هر کشور دیگری که به دنبال میزبانی مذاکرات هسته‌ای یا میانجیگری بین ایران و آمریکا باشند، به غیر از دنبال‌کردن منافع ملی خودشان و تأمین آن، توجیه دیگری برای تحرات دیپلماتیک خود ندارند. در نتیجه نباید این سوءمحاسبه را داشت که برخی کشورهای منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای به دنبال نفع ما هستند یا منافع ایران را بر منافع خود ترجیح می‌دهند. اگر این کشورها سعی دارند مذاکرات هسته‌ای از سر گرفته شود یا توافقی بین ما و آمریکا انجام شود، به دلیل تأمین منافع و امنیت ملی خودشان است. این موضوع در چارچوب دیپلماسی نمی‌گنجد که کشوری بخواهد منافع ما را بر منافع خود ترجیح دهد. پس من تفاوتی بین این کشورها قائل نیستم.

یعنی جایگزینی احتمالی چینی‌ها، نروژی‌ها، عربستانی‌ها یا قطری‌ها به‌جای عمانی‌ها به معنای دیپلماسی نوین پساجنگ نیست؟

خیر، چون همان‌طور که گفتم، این کشورها در راستای منافع خود حاضر به همکاری یا نقش‌آفرینی هستند. بنابراین تفاوتی بین کشورها وجود ندارد.

این گفته شما به شکل ضمنی تأیید و تأکید بر این نکته است که میزان موفقیت در مذاکرات پیش‌رو، بیش از آنکه به نقش‌آفرینی میزبانان و میانجیگران بستگی داشته باشد، به جدیت، هوشمندی و دقت‌نظر خود تهران بستگی دارد؟

دقیقا. میزان موفقیت در مذاکرات پیش‌رو با آمریکایی‌ها قطعا دست خود ایران است. کمااینکه در مذاکرات قبلی هم به میزبانی عمانی‌ها، موفقیت دست خود ما بود. به همین دلیل است که من معتقدم اگر آن تأخیر و تعلل‌ها را نداشتیم، شاید اصلا جنگی رخ نمی‌داد. به همین دلیل است که می‌گویم باید تفاوت عمده دیپلماسی قبل و بعد از جنگ ۱۲روزه در این باشد که از تأخیر و تعلل‌های قبلی اجتناب کنیم و اشتباهات قبل را تکرار نکنیم. ما باید با روش‌های عاقلانه و درس‌گرفتن از تجربیات سال‌ها و دهه‌های گذشته و همین دیپلماسی قبل از جنگ، یک دیپلماسی جدید را تعریف کنیم که با اقتضائات پساجنگ همخوانی داشته باشد تا بتوانیم به شکل جدی وارد مذاکرات بشویم و منافع خود را تأمین کنیم. البته این را هم باید بگویم که گفته من منافاتی با استفاده از نظر و آرای دیگر کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای ندارد، اما اینکه تصور کنیم یک کشور حاضر باشد منافع خود را قربانی منافع ما کند یا به عبارت دیگر منافع ما را بر منافع خود ترجیح دهد و حاضر به پذیرش و تقبل هزینه‌های آن باشد، به‌هیچ‌وجه با واقعیت‌های جاری صحنه بین‌الملل و عرصه دیپلماسی همخوانی ندارد.

اگر بخواهم یک آسیب‌شناسی به تحلیل شما داشته باشم، می‌توان از این زاویه وارد شد که فراموش نکنیم در پنج دور مذاکرات قبلی و در میانه گفت‌وگوها، به ایران تجاوز شد. اگر شما مُصر به گفت‌وگوهای جدی تهران و واشنگتن هستید، آیا تضمینی وجود دارد که شاهد جنگ دوباره و حملات در میانه مذاکرات نباشیم؟

نکته شما درست است، اما ما باید همه اینها را تجربه کنیم. اگر در همان پنج دور قبلی، مذاکرات را زودتر، جدی‌تر و دقیق‌تر پیش می‌گرفتیم، چه‌بسا اصلا جنگی به وقوع نمی‌پیوست. البته گفته من به معنای تأیید تجاوز به ایران نیست، اما می‌توانستیم با یک دیپلماسی دقیق و هوشمند، جلوی این حملات و خسارات آن را بگیریم. ببینید، دیپلماسی یعنی «اقدام مناسب در زمان مناسب». حتی اگر شما یک تصمیم و اقدام مثبت و مناسب را در زمان خود انجام ندهید و آن را دیرهنگام عملیاتی کنید، دیگر به نتایج مطلوب و مد نظر نمی‌رسید، چه برسد به زمانی که خود اقدام و تصمیم هم درست نباشد. می‌شود اقدام نامناسب در زمان نامناسب که نه‌تنها منافع ما را تأمین نمی‌کند، بلکه آثار و تبعات بیشتری را هم به دنبال دارد. پس با همان تجربه دیپلماسی قبل از جنگ و حتی تجربه این واقعیت تلخ که در میانه گفت‌وگوها به ایران حمله شد، دوباره باید به میز مذاکره بازگشت و گفت‌وگوهای جدی را هرچه زودتر و با دقت و هوشمندی آغاز کرد، چون راهی غیر از دیپلماسی وجود ندارد.

ولی فراموش نکنیم که اکنون ما در یک وضعیت آتش‌بس یا به عبارت دیگر ترک تخاصم قرار گرفته‌ایم؛ یعنی امکان بروز هر اتفاقی وجود دارد. از منظر سیدمحمد صدر، احتمال حملات دوباره اسرائیل به ایران وجود دارد؟

چه ترک تخاصم و چه آتش‌بس، فعلا اهمیت و موضوع محوری در این است که شرایط را به سمتی پیش ببریم که فرصت و بهانه برای حملات دوباره گرفته شود. پس اگر دوباره از دیپلماسی قبل از جنگ تجربه کسب نکرده و از اشتباهات قبلی دوری نکنیم، در عرصه دیپلماسی، گفت‌وگو و مذاکره فعال و جدی، من این احتمال را می‌بینم که شاهد جنگ دوباره باشیم.

باز هم روی اقتضائات و جزئیات مربوط به تفاوت بین دیپلماسی هسته‌ای قبل و بعد از جنگ ۱۲روزه تمرکز کنیم. به نظر می‌رسد یکی از مباحث جدید، استفاده از اهرم‌های منطقه‌ای و پیشبرد طرح‌هایی همچون کنسرسیوم منطقه‌ای است که می‌تواند مهم‌ترین فصل اختلافی ایران با آمریکا، یعنی تداوم چرخه غنی‌سازی در ایران را به یک نتیجه مطلوب و مشترک برساند. آیا می‌بینید که ایران این بار برخلاف پنج دور مذاکرات مسقط که چنین راه‌حلی را در دستور کار قرار نداده بود، در مذاکرات به این سمت حرکت کنند؟

وقتی من چند بار تأکید می‌کنم که باید زودتر و جدی‌تر مذاکرات را شروع کنیم، به همین دلیل است که همه چیز در مذاکرات مشخص می‌شود. عیار هر راه‌حل، تصمیم، اقدام یا پیشنهادی در گفت‌وگوها روشن خواهد شد؛ چون در مذاکرات می‌توان هر موضوعی را مطرح کرد، در مورد آن بحث، گفت‌وگو، تبادل‌نظر کرد و آرای طرف مقابل را هم پرسید و چه‌بسا به راه‌حل مشترک هم دست پیدا کرد. اساسا هنر دیپلماسی در همین است که دیپلمات‌ها بتوانند از همه کارت‌ها، اهرم‌ها و امتیازها به شکل بهینه و به نحو احسن استفاده کنند تا هم منافع ما تأمین شود و هم مانع از فساد بحران و تصاعد بحران شد. تا زمانی که مذاکرات به شکل عملی آغاز نشود و موضوعات مطرح‌شده به مرحله گفت‌وگوهای واقعی بین دو طرف نرسد، همه چیز در حد ایده اولیه باقی می‌ماند.

به خبرهای جدید درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه هم ورود کنیم که می‌تواند دیپلماسی هسته‌ای پساجنگ را وارد فاز تازه‌ای کند. در همین زمینه ژان نوئل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه، دیروز (سه‌شنبه) اعلام کرد این کشور به همراه شرکای خود، انگلیس و آلمان، تا پایان ماه آگوست (ماه آینده میلادی) و در صورتی که پیش از آن پیشرفت ملموسی در زمینه توافق هسته‌ای ایران حاصل نشود، «مکانیسم ماشه» را علیه ایران فعال خواهند کرد. با توجه به فرایند حقوقی فعال‌سازی مکانیسم ماشه، یعنی دهه اول مردادماه، نامه آلمان، فرانسه و انگلستان به شورای امنیت ارسال خواهد شد. آیا در این بازه زمانی می‌توانیم مانع از بازگشت قطع‌نامه و تحریم‌های سازمان ملل شویم یا فعال‌سازی مکانیسم ماشه را مسجل می‌دانید؟

باید به این موضوع اذعان کرد که کشورهای اروپایی و به‌ویژه آلمان، فرانسه و انگلستان به عنوان اعضای برجام، با توجه به معادلات مربوط به جنگ اوکراین، دیگر روابط حسنه و مناسب قبل را با ایران کنار گذاشته‌اند. یعنی اکنون شرایطی شکل گرفته که بعد از جنگ اوکراین، اروپا به دنبال تشدید فشار روی ایران است. یکی از ابزارها یا بهتر بگویم مهم‌ترین اهرم فشار آنها، فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های سازمان ملل است. همین موضوع ثابت می‌کند که باید دیپلماسی را هرچه زودتر و به شکل جدی‌تر دوباره در دستور کار قرار داد. مذاکرات جدی را هم با خود آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها داشت. باید در مذاکرات به آنها یادآوری کرد که خود برلین، پاریس و لندن دعوت‌کننده و پایه‌گذار مذاکرات برجامی و توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بودند و منافع مشترکی بین ایران و اروپا شکل گرفت و زمانی هم که آمریکا از برجام خارج شد و اروپا نتوانست تعهداتی را که به ایران داده بود عملیاتی کند، باز هم تهران با صبر، حسن نیت و برخورد دیپلماتیک را با اروپا حفظ کرد.

ادامه در صفحه ۳

گزارش

فاطمه مهاجرانی خبر داد:
تأکید رئیس‌جمهور بر بازبودن پنجره دیپلماسی

فاطمه مهاجرانی در نشست خبری دیروز خود با بیان اینکه بیش از هر زمان نیازمند انسجام ملی هستیم، اظهار کرد: ایرانی در هرجای دنیا، ایرانی است و باید ریشه خود را به یاد آورد. پیام رئیس‌جمهور خطاب به ایرانیان خارج از کشور برای تجدید پیمان آنها با ایران صادر شد. او یادآور شد: بارها مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم اما ریشه‌داربودن و اصالت مردم ایران در طول هزاران سال نشان از تاب‌آوری آنها دارد. همه دنیا شاهد بودند مردم با وجود مشکلات به انسجام رسیده و اجازه ندادند هیچ قدرت خارجی در امر ایران دخالت کنند. رئیس‌جمهور در این نامه بر بازبودن پنجره دیپلماسی تأکید کرد. سخنگوی دولت خاطرنشان کرد: دولت نیازمند این است که از همه ظرفیت جامعه از جمله نخبگان و استادان دانشگاه برای حل مسائل کشور استفاده کند. مهاجرانی افزود: در مصاحبه رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون تأکید شد که ما ملتی با تاریخ و فرهنگ ریشه‌دار هستیم و آماده گفت‌وگو براساس احترام متقابلیم. پیام دولت به دنیا این بوده که ما دنبال جنگ نیستم، ولی تسلیم‌پذیر هم نیستیم. او درباره برخی انتقادها نسبت به این مصاحبه گفت: مبادا آب به آسیاب دشمن بریزیم. بسیار هوشیار باشیم و مراقبت کنیم که دچار پراکندگی نشویم. سخنگوی دولت اظهار کرد: از آغازین ساعات حمله، جلسه هیئت دولت تشکیل و چهار کارگروه برای رفع نیازهای مردم تشکیل شد. در یک مورد ۶۱ هزار تن جابه‌جایی کالای اساسی انجام شد که ۲۵ درصد آنها مصرف شد. ذخایر استراتژیک دست نخورد. کادر درمان شجاعانه پای کار بودند و شهید تقدیم کردند. از سربازان شهید باید یاد کنیم. سخنگوی دولت خبر داد که بازسازی منازل و صنایع آسیب‌دیده از جنگ شروع شده است. مهاجرانی اعلام کرد: در شورای اقتصاد سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید ۲۵۰ هزار بشکه نفت در روز و سرمایه‌گذاری برای افزایش هفت هزار مگاوات برق در جلسه شورای اقتصاد در روز گذشته به تصویب رسید. مهاجرانی با بیان اینکه بسته حمایتی برای دفاع از صنایع در زمینه تأمین مالی، زیرساخت‌ها و امور بازرگانی و سایر موارد به تصویب رسیده است، افزود: ایمن‌سازی مسیرهای منتهی به مرزها برای مراسم اربعین در حال انجام است. سخنگوی دولت درباره دلیل قطعی اینترنت در دوران جنگ، خاطرنشان کرد: رویکرد دولت از ابتدا، ایجاد اینترنت آزاد بوده است اما در طول جنگ، تعدادی از پهپادهای دشمن از طریق اینترنت کنترل می‌شدند و برای حفظ امنیت مردم، مجبور بودیم به اینترنت ملی رجوع کنیم. بین آزادی انتشار اخبار و امنیت مردم، امنیت و جان مردم انتخاب می‌شود. او درباره موضع دولت درباره طرح مجلس برای تشدید برخورد با جاسوسان، گفت: دولت نظر سلیقه‌ای ندارد، نظر حرفه‌ای دولت این است که ایرادات طرح را شناسایی و مطرح کند و هماهنگی بسیار خوبی برای اصلاح طرح ایجاد شده است. مهاجرانی درباره تعداد آسیب‌دیدگان جسمانی و روانی ناشی از جنگ، گفت: پنج‌هزارو ۶۰۰ مجروح داشته‌ایم و سامانه ۴۰۳۰ حدود ۹۰ هزار تماس برای آسیب‌های روانی دریافت کرد و برای کاهش اضطراب مردم اقدام شد. سخنگوی دولت درباره واکنش دولت به پیشنهاد ترور رئیس‌جمهور از سوی یک مسئول در داخل کشور، اظهار کرد: دادستان عمل کرده و دولت شکایتی ندارد، ولی باید انسجام ملی را حفظ کرده و آب به آسیاب دشمن نریزیم. فکر نکنیم تندروی به معنای پیروی از ولایت است. امروز ولایت از ایران می‌گوید. سخنگوی دولت درباره نتیجه‌بخش‌بودن وفاق ملی، گفت: رویکرد وفاق ملی شکست نخورده و جواب داده است. چه کسی فکر می‌کرد مردم این‌گونه پای کار کشور بایستند که این دستاورد حاصل وفاق ملی و پایبندی رئیس‌جمهور به وفاق ملی و مطالبات ملی است. این دولت مسائل حاکمیتی را با وفاق ملی حل خواهد کرد. او درباره امکان رفع فیلتر از تلگرام، بیان کرد: دولت دنبال محدودسازی اینترنت نیست، ولی شرایط موجود و اقدامات اسرائیل دست مخالفان دولت را خوب پر کرده است.